

بهکیش در گفت‌وگو با «شرق»:

دولت جسارت تصمیم سخت را ندارد

روزنامه شرق - شماره ۳۰۱۰ - دوشنبه، ۲۲ آبان ۱۳۹۶

شکوفه حبیب‌زاده: «نمی‌توان در حال حاضر به سرمایه‌گذاری خارجی امید بست». این را محمدمهدی بهکیش، اقتصاددان، به «شرق» می‌گوید. او معتقد است قفل کنونی اقتصاد ایران، نبود تقاضاست و این یعنی تقاضای مؤثر (تقاضایی که پشتوانه بنیه خرید دارد) در اقتصاد کافی نیست که بتواند سرمایه‌گذاری‌های جدید را جواب‌گو باشد. بهکیش برای شکستن این قفل راه‌حل «صادرات‌محوری» را پیشنهاد می‌کند. او معتقد است دولت باید جسارت به خرج دهد تا تصمیماتی برای به حرکت درآوردن اقتصاد در پیش بگیرد. به گفته او، اعتماد بین دولت و سرمایه‌گذاران بعد از افزایش موقت پس از برجام، رو به کاهش نهاده و علت هم آن است که دولت‌ها هرگز به بخش خصوصی اعتماد نداشتند و خیلی‌ها را نامحرم می‌دانستند و به دلایلی ذی‌نفعان نمی‌گذارند این حلقه بسته شکسته شود. این اقتصاددان می‌گوید شاید دولت تصمیم به خروج از دور بسته قدرت ذی‌نفعان داشته باشد، اما باین حال او معتقد است دولت روحانی انرژی چنین کاری را ندارد. این اقتصاددان همچنین تأکید کرد امروز قدرت، قدرت اقتصادی است و به همین خاطر دولت باید روال همیشگی تبعیت سیاست‌های اقتصادی از سیاست‌های سیاسی را معکوس کند.

ایران به علت دور ماندن از فضای جهانی نیاز به یک به‌روزرسانی دارد. اغلب کارشناسان معتقدند که باید برای این تغییرات به سراغ سرمایه‌گذاری، به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی رفت. در این میان کارشناسانی هم هستند که نسبت به جذب سرمایه‌های خارجی در شرایطی که بستر آن فراهم نیست، انتقاد می‌کنند و معتقدند که این ارزشها به بیراهه می‌روند و صرفاً کشور را بدهکار خواهند کرد. این حجم از بدهکاری به کشورهای دیگر در شرایطی که احتمال هدررفت این منابع وجود دارد، درست است؟

در ۴۰، ۵۰ سال گذشته جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI (Foreign direct investment تقریباً نداشته‌ایم. آنچه کشورها از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده می‌کنند فقط فاینانس و مسئله مالی نیست؛ مدیریت، تکنولوژی، دسترسی به بازار و دسترسی به منابع مالی هم می‌آورد. تقریباً در ۵۰ سال گذشته ما همواره با شمار محدودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روبه‌رو بودیم. حتی قبل از انقلاب که در ۱۰ سال آخر پول فراوان داشتیم و احتیاج به سرمایه‌گذاری خارجی نبود، باز هم مسئولان کشور از دید مالی نگاه می‌کردند، نه تکنولوژی و مدیریت. آنچه

در ۵۰ سال گذشته در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی رخ داده، در نفت و گاز به‌صورت فاینانس و تأمین مالی بوده؛ یعنی به‌نوعی از خارجی‌ها پول قرض کردیم و در مقابل تضمین‌های دوگانه و سه‌گانه دادیم تا سرمایه‌گذاری که وام داده از بابت برگشت پولش خیالش راحت شود، اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یعنی سرمایه‌گذار خارجی با سرمایه‌گذار ایرانی شریک شود و تعهدات خودش را بر اساس شرایط در زمینه تکنولوژی، مدیریت و دسترسی به بازار به علاوه فاینانس داشته باشد که ما چنین شیوه‌ای نداشتیم. کشور ما به FDI نیاز دارد. منابع مالی کمابیش داشته‌ایم. الان هم در صندوق توسعه تا حدی پول هست. باید ببینیم اقتصاد چقدر می‌تواند پول جذب کند و دوم اینکه با این پول چه خواهیم کرد. در شرایط کنونی تمایل سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری مستقیم (FDI) در ایران به دلیل تحریم‌ها و سنتی که در سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بوده، وجود ندارد. فقط به‌نظر می‌رسد همکاری سرمایه‌گذاران خارجی در بخش خودرو نوعی مشارکت بوده، اما به دلیل محرمانه‌بودن قراردادها، دقیقاً نمی‌دانیم قرارداد چگونه است. اینکه گفته شد درصدی از تولید را مجبور خواهیم کرد صادر کند، بعید می‌دانم عملی شود، چون قیمت‌ها در داخل معمولاً خیلی بالاتر است و هیچ تولیدکننده‌ای علاقه ندارد جنسی را به‌عنوان صادرات در جایی ارزان‌تر بفروشد. به دلیل بالا بودن تعرفه‌ها به بهانه حمایت از تولید داخلی، اتومبیلی که اینجا تولید می‌شود دو تا سه برابر قیمت در بازار بین‌المللی است. وقتی شما تعرفه می‌گذارید، قیمت داخل را نسبت به بیرون حداقل به همان نسبت گران می‌کنید. تازمانی که قیمت‌ها در داخل بیشتر از قیمت‌های بین‌المللی است تولیدکننده به‌هیچ‌وجه به صادرات رغبتی نخواهد داشت. کشور ما در حال حاضر گرفتار محدودیت مردم در خرید کالا و خدمات است، مصرف خصوصی و دولتی کوچک شده و امکان تولیدمان همین الان بیش از تقاضای مؤثر (تقاضایی که پشتوانه بنیه خرید دارد) است. بر اساس آماری که دکتر نیلی، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور اقتصادی و دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی، منتشر کرد، تقاضای داخلی ما اکنون به سال‌های ۸۱-۸۰ شمسی؛ یعنی ۱۵ سال قبل برگشته است. این در حالی است که تولید افزایش یافته. از طرف دیگر اکثر کارخانه‌ها و دفاتر تجاری با حدود ۵۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند؛ یعنی ۵۰ درصد ظرفیت خالی دارند. چرا باید در چنین شرایطی سرمایه‌گذاری کرد؟

به‌همین دلیل سرمایه‌گذاری که منجر به افزایش تولید شود هم تقاضایی ندارد؟

همین‌طور است. مگر زمینه‌هایی باشد که تقاضایش در داخل تأمین نمی‌شده و کالایی بوده که وارد می‌شده است. مثل یک‌سری از داروها که اگر تکنولوژی‌اش باشد، به جای وارد کردن می‌توانیم تولید کنیم. می‌خواهم بگویم قفلی که در اقتصاد داریم، نبود تقاضاست. رکود در اقتصاد در تقاضاست نه در تولید. کالا تولید می‌شود اما در انبار می‌ماند. تقاضای مؤثر در اقتصاد کافی نیست تا بتواند سرمایه‌گذاری‌های جدید را جواب‌گو باشد. بنابراین از دو طرف در سرمایه‌گذاری مشکل داریم؛ اول، برای تولید بیشتر در داخل تقاضا نداریم و دوم، سرمایه‌گذار با شرایط حاکم در دنیا حاضر به مشارکت در ایران نیست. مثلاً پژو به دلایل خیلی خاص سیاسی در ایران مشارکت می‌کند و پول هم نمی‌آورد. در اروپا تکنولوژی اتومبیل‌های بنزینی در حال کهنه‌شدن است و تا هفت، هشت سال دیگر در اروپا تولیدات باید به سمت ماشین‌های دوگانه‌سوز و الکتریکی برود، یعنی تکنولوژی کاملاً متفاوت. به نظرم فرانسوی‌ها خیلی با ذکاوت کار می‌کنند و چیزی را که کم‌کم کنار می‌گذارند، به ما می‌دهند. در واقع برای یک تکنولوژی که از بازار خارج می‌شود در ایران پایگاهی برای ۱۰، ۱۵ سال آینده خود ایجاد کرده‌اند. اکنون سرمایه‌گذاران خارجی به‌علت ریسک بالای ایران به راحتی جذب بازار ما نمی‌شوند. در نتیجه وضعیت بسیار

بفرنجی از طرف عرضه و تقاضا به وجود آمده است. اکنون فقط تعدادی برای سرمایه‌گذاری در ایران، در وزارت‌امور اقتصادی و دارایی ثبت‌نام می‌کنند، اما تا آمدنشان خیلی فاصله است. به نظرم نمی‌توان در حال حاضر به سرمایه‌گذاری خارجی امید بست. اگر می‌خواهیم اقتصادمان رشد کند، باید تقاضا ایجاد کنیم و در کنار آن، درآمد افراد را افزایش دهیم. با وضعیتی که در دنیا داریم حتی با کشورهای همسایه هم روابط چندان خوبی نداریم که بتوانیم به راحتی کالا صادر کنیم. اکنون زمانی است که باید تصمیمات سیاسی بر اساس نیازهای اقتصاد گرفته شود. در کشور ما همیشه برعکس بوده. تصمیمات اقتصادی بر اساس هدف‌های سیاسی گرفته شده. عملاً سیاست‌های اقتصادی دنباله‌رو سیاست‌های سیاسی بوده. به نظرم این روند باید برعکس شود.

وزارت خارجه چندی است که این موضوع را مطرح کرده. آیا نتوانسته در این راستا، گام بردارد؟

این حرف خیلی گفته شده اما به نظرم در سیاست‌گذاری‌های کلان درست جا نیفتاده. شاید در وزارت خارجه هم تلاش می‌کنند اما اکنون روابطمان با کشورهای همسایه باید دقیقاً بر اساس نیازهای اقتصادی تنظیم شود. مثلاً هند یکی از کشورهایی است که به نظرم در آینده ایران خیلی نقش خواهد داشت. حداقل ندیده‌ام که در روابط با هند مسائل اقتصادی به جای مسائل سیاسی پررنگ شود. یا هیچ‌وقت در کشورهای آسیای مرکزی نتوانستیم آن‌طور که باید فعال شویم. برعکس ترک‌ها هدفشان بیشتر اقتصادی بوده و بسیار خوب توانسته‌اند در آسیای مرکزی و قفقاز عمل کنند. نمونه‌اش ما اصلاً در اجلاس اکو (ایران، پاکستان، ترکیه و تعدادی از کشورهای آسیای مرکزی)، موفق نیستیم. حتی در رابطه با تعرفه‌های ترجیحی که بنا شد این کشورها بین هم داشته باشند، تنها کشوری که نتوانست لیست تعرفه را بدهد، ایران بود.

چرا؟

چون مرتب تبلیغ کرده‌ایم که از صنایع حمایت می‌کنیم. اگر بخواهید تعرفه ترجیحی را بپذیرید، یعنی حمایت را از روی صنایع کم کرده یا برمی‌دارید. درباره تعرفه ترجیحی با ترکیه، اگر بخواهیم کالایی به ترکیه صادر کنیم، در مقابل هم ترکیه می‌خواهد کالایی به ما صادر کند. مذاکرات به این صورت خواهد بود که بگوییم تعرفه‌ات را پایین بیاور تا فلان کالا را که الان نمی‌توانیم به ترکیه صادر کنیم، بتوانیم صادر کنیم، در مقابل ما هم برای ترکیه باید این کار را انجام دهیم و تعرفه‌مان را کم کنیم. این یک‌جور بده‌بستان است. امتیاز می‌دهیم، امتیاز می‌گیریم، اما دیدید که چقدر نساجی‌ها سر توافق تعرفه ترجیحی، سروصدا کردند و دولت را تحت فشار گذاشتند که قرارداد اشتباه بوده و کارخانه ما تعطیل می‌شود. به هر حال وقتی یک‌سری کارخانه که بیشتر به درد کشور می‌خورند راه بیفتند، یک‌سری کارخانه‌ها که خیلی مزیت ندارند مجبور هستند تعطیل شوند. در اقتصاد اصطلاحی داریم؛ «ناهار مجانی وجود ندارد»، یعنی هر چیزی در اقتصاد هزینه‌ای دارد. ما تا به حال صادرکننده عمده نبوده‌ایم و نمی‌دانیم برای این کار چه هزینه‌ای را باید بپردازیم.

این هزینه‌ها در چه بخش‌هایی باید انجام شود؟

به هر حال باید صنایع یا خدماتی که کمتر سودآور هستند و مزیت کمتری دارند، تعطیل شوند. البته نه اینکه کاملاً تعطیل شوند. دولت باید به سراغشان برود و کمک کنند که خط تولیدشان را عوض و کالا دیگری تولید کنند؛ زمین، آب، برق،

نیروی مهندس، تجربه و... دارند که سرمایه‌گذار به آنها نیاز دارد اما کالایی که تولید می‌کنند سودآور نیست. دولت باید به تغییر خط تولید آنها بپردازد نه اینکه به بهانه اشتغال کارگران در آنها، از کالای غیرسودآور آنها حمایت کند. دولت باید این جسارت را داشته باشد که چنین تصمیماتی بگیرد. البته شاید برخی از صنعتگران از تعطیلی خوشحال شوند و زمین را تغییر کاربری دهند و برج بسازند. نباید اجازه دهیم این اتفاق بیفتد. از دید من هیچ راهی نداریم جز اینکه روی صادرات کار کنیم. صادرات اگر راه بیفتد، هم‌زمان تولید راه می‌افتد و جامعه پول بیشتری خواهد داشت و می‌تواند بیشتر و بهتر خرید کند. همه کشورها همین راه را رفته‌اند. الان ترکیه اقتصادش به اندازه اقتصاد ماست. تولید ناخالص داخلی ایران، ترکیه و کره جنوبی در سال ۱۳۵۷ تقریباً مانند هم بود. ترک‌ها روی صادرات کار کردند و اکنون بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات دارند. صادرات ما کمتر از ۵۰ میلیارد دلار است که ۳۰ میلیارد دلارش فقط مربوط به نفت و گاز است!

اشاره کردید که دولت باید جسارت به خرج بدهد. چرا دولت این‌قدر محافظه‌کار است؟

بررسی‌های اقتصادی نشان می‌دهد سیاست‌های ما به درستی کار نمی‌کند. من بعد از برجام خیلی خوشحال بودم و در مصاحبه‌ها هم گفتم برجام بزرگ‌ترین اتفاقی بود که افتاد، اما باز هم کاری کردیم که همه را علیه خودمان تحریک کردیم. یک‌سری کارها نباید انجام شود. اینکه الان چه کسی به حق است یا نیست مهم نیست، مهم این است که اگر برخی کارها را انجام دهیم، موجی علیه ما ایجاد می‌شود. اروپایی‌ها پشت برجام ایستاده‌اند، اما نباید گول بخوریم. اروپایی‌ها بر اساس اصول خودشان پشت برجام هستند، اما در مسئله حقوق بشر اروپایی‌ها سخت‌گیرتر از آمریکایی‌ها هستند و اگر مسئله حقوق بشر رو بیاید، بیشتر از آمریکایی‌ها علیه ما خواهند بود. در بین هم‌پیمانان ما هم باید توجه کنیم الان بیشترین منابع چین در آمریکا یا روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده نفت است و مجبور است با غرب کنار بیاید. بنابراین آنها هم ممکن است به طرف غرب متمایل شوند. در نتیجه باز هم تأکید می‌کنم مسائل اقتصادی ما دنباله‌رو مسائل سیاسی مان بوده و باید برعکس شود. شک دارم این اتفاق بیفتد، اما اگر قرار است این روال تغییر کند، از دید من کارشناس اقتصاد باید در روال اصلی، تغییر ایجاد شود. این روال اصلی هم مسئله سرمایه‌گذاری خارجی نیست. مسئله این است که در دنیا بتوانیم کالا بفروشیم. تا ۱۵ سال قبل در سوپرمارکت‌های اروپا مواد غذایی ایرانی زیاد دید می‌شد، خیارشور، ترشی، رب و... امروز حتی یکی از این اقلام را نمی‌بینید، چون آن‌قدر علیه ما تبلیغ کرده‌اند که کسی که می‌خواهد این مواد را بخرد، منصرف می‌شود. در نتیجه خیلی از تولیدکننده‌های ما در ترکیه برچسب ترکیه را می‌گذارند و محصول خود را صادر می‌کنند. یعنی این تبلیغات حتی بر مواد خوراکی ما هم تأثیر داشته است. در چنین فضایی نمی‌توانیم صادرکننده شویم و منابع نفتمان روزبه‌روز کاهش خواهد داشت. باید بیشتر هدف‌ها را اقتصادی کنیم تا جامعه را نجات دهیم. اصلاً تن به رقابت نمی‌دهیم و همه انحصار است. مخابرات و خودرو و دخانیات همه انحصار است. انحصار در اقتصاد هم به معنی قیمت بالاتر است. مدام می‌گوییم وابستگی به نفت را کم خواهیم کرد اما بیشتر شده. رشد تولید ناخالص داخلی بسیار متوسط و پایین است. اعتماد به دولت بعد از برجام خیلی بالا رفت، اما الان رو به کاهش است. بین سرمایه‌گذاران هم می‌بینم که اعتماد به دولت و کارهایش رو به کاهش است. دولت هم حرکتی نمی‌کند، شاید موانعی دارد که اجازه نمی‌دهند انجام شود.

به‌خاطر عدم سیاست‌گذاری درست است؟

به نظرم چون به بخش خصوصی اعتماد نداشتند و خیلی‌ها را نامحرم می‌دانستند، در نتیجه کار به دست عده‌ای افتاد که کاردان نبودند و انحصاری نیز عمل کردند و به همین علت هم فساد ایجاد شد. سه عامل فساد، غیررقابتی‌بودن و تأمین مالی گردن اقتصاد را گرفته و نمی‌گذارد نفس بکشد. شاید تصمیم به خارج‌شدن از این وضعیت وجود داشته باشد اما گروه‌های ذی‌نفوذ آن قدر قوی شده‌اند که دولت نمی‌تواند از آن بیرون بیاید. یک‌جا باید این دور بسته را بشکنند که به نظرم دولت روحانی انرژی چنین کاری را ندارد .

چه کسی می‌تواند این کار را بکند؟

باید سراغ رهبری یا کسانی رفت که قدرت بیشتری دارند .

اشاره کردید اعتماد به دولت از طرف سرمایه‌گذاران بعد از برجام رو به کاهش است. منظور تان سرمایه‌گذاران

داخلی و خارجی بود؟

سرمایه‌گذاران خارجی که اصولاً می‌ترسند به ایران بیایند. می‌گویند دلمان می‌خواهد ببینیم چه خبر است همان‌طور که همه یکبارہ لشکرکشی کردند و آمدند اما خیلی‌هایشان چون نمی‌توانند با آمدن به ایران ویزای آمریکا بگیرند، منصرف شده‌اند. به هر حال آمریکایی‌ها یک‌سری قدرت‌ها دارند که ما نمی‌توانیم به راحتی مبارزه کنیم. شاید خوشمان نیاید اما باید به‌عنوان واقعیت در دنیا بپذیریم و خودمان را قدرتمند کنیم که نتوانند این کار را انجام دهند. به نظرم قدرتمند امروز هم دیگر قدرتمند نظامی نیست. قدرتمند اقتصادی است. الان قدرت نظامی چین نیست که با آمریکا مواجهه می‌کند، قدرت اقتصادی‌اش است. روسیه ضعیف‌تر از چین است در حالی که قدرت نظامی قوی‌تری از چین دارد، اما چون قدرت اقتصادی‌اش ضعیف‌تر است به اندازه چین نمی‌تواند به آمریکا فشار بیاورد. امروز قدرت، قدرت اقتصادی است و این یکی از اشتباهاتی است که هنوز در کشور تصور می‌کنیم قدرت نظامی است که حرف اول را می‌زند. باید با سازوکار امروز دنیا، اقتصادمان را قوی کنیم و در تعامل با دیگران باشیم نه با اقتصاد بسته نمی‌توانیم اقتصاد قدرتمند درست کنیم. دوران اتحاد شوروی و اقتصادهای بسته، گذشته. باید با تعامل با دیگران اقتصادمان را تقویت کنیم و بعد به سمت یک نوع سوسیالیسم برویم که بتوانیم رفاه هم بیاوریم. اما اول باید اقتصاد حرکت کند. باید همه تشویق شوند که کمتر مصرف کرده و بتوانند تولید کنند تا کار و اشتغال ایجاد و کالایی قابل فروش تولید شود نه اینکه از ترسشان تعرفه‌ها را بالا نگه دارند.

<http://www.sharghdaily.ir/News/145927/%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA-%D8%AC%D8%B3%D8%A7%D8%B1%D8%AA%D8%AA%D8%B5%D9%85%DB%8C%D9%85%E2%80%8C-%D8%B3%D8%AE%D8%AA-%D8%B1%D8%A7-%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%AF>